

پیشکش به استاد جمشید مظاهری (سروشیار)

در سفینه تبری^۱ یازده مناظره، در شکل‌های گوناگون بدین ترتیب آمده است:

۱. مناظره گل و مُل، از ابوسعید ترمذی تألیف ۵۸۰ق. ۲.
۲. مناظره سرو و آب (عربی و فارسی)، از قاضی نظام‌الدین اصفهانی، از سده هفتم. ۳.
۳. مناظره شراب و حشیش، از سعد بها (ق ۷-۸). ۴.
۴. مناظره شراب و حشیش، در ده بیت، از سراینده‌ای نامعلوم. ۵.
۵. مناظره شمشیر و قلم، از سراینده‌ای نامعلوم. ۶.
۶. مناظره زمین و آسمان، چند سطر از پایان مناظره، از نویسنده‌ای نامعلوم. ۷.
۷. مناظره نار و تراب، از امین‌الدین ابوالقاسم حاجی بُله شامل یادداشت‌هایی از ابوالمجد تبریزی از منابر امین‌الدین. ۸.
۸. مناظره سمع و بصر، از ابوالمجد محمد بن ملک مسعود تبریزی (کاتب سفینه). ۹.
۹. مناظره نظم و نثر، از ابوالمجد محمد بن ملک مسعود تبریزی که در اصل مقدمه دیوان اشعار اوست. ۱۰.
۱۰. قصه مناظره آهو، از جلال‌الدین عبدالحمید عتیقی، مناظره‌ای است بین آهو و صیاد، با مضمون فلسفی. ۱۱.
۱۱. مناظره گل و مُل، (منسوب به) سراج‌الدین قُمری آملی، از سده هفتم. ۱۲.

درباره انتساب مناظره گل و مُل به سراج‌الدین قُمری آملی در «سفینه تبری»*

مهرداد چترایی عزیزآبادی*
(اصفهان)

چکیده: در سفینه تبری یازده مناظره آمده است. یکی از آنها مناظره گل و مل به نثر است که در آنجا به سراج‌الدین قُمری آملی از سده هفتم ق منسوب شده است.

مناظره گل و مل در مجموعه‌ای دیگر به نام زنگی‌نامه تألیف محمد بن محمود بن محمد زنگی بخاری نیز آمده است. در این مقاله نویسنده براساس مقایسه دو مناظره با یکدیگر، این دو مناظره را یکی می‌داند و براساس اطلاعاتی که از دیوان سراج‌الدین قُمری به دست می‌آید و بررسی ابیات منقول از شاعران دیگر در این مناظره، با توجه به دلایل تاریخی، انتساب این مناظره را به سراج‌الدین قُمری رد می‌کند و با بررسی تحمیدیه‌ها و خطبه‌ها، استشادات و ویژگی‌های زبانی و مقایسه این مناظره با دیگر آثار محمد زنگی بخاری، با دلایل سبک‌شناختی، انتساب آن را به زنگی بخاری تأیید می‌نماید.

کلیدواژه: گل و مُل؛ سفینه تبری؛ قُمری آملی، سراج‌الدین (قرن ۷ق)؛ مناظره‌ها؛ زنگی بخاری، محمد بن محمود (اواخر سده ۷ و اوایل سده ۸ق)؛ زنگی‌نامه؛ دیوان سراج‌الدین قُمری.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد نجف‌آباد.

کج نامه بهارستان: مقاله حاضر، در ابتدا مقاله‌ای بلند بود که با اجازه مؤلف به ضرورت تلخیص شد. پیش از این دکتر نصرالله پورجوادی در پژوهشی ممتاز درباره نادرستی انتساب مناظره گل و مُل (مندرج در سفینه تبری) به سراج‌الدین قُمری مطالبی نوشته‌اند. برای اطلاع بیشتر درباره این مناظره و دیگر مناظره‌های زبان حال گونه، نک: زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی. (تهران: هرمس، ۱۳۸۵)، ص ۴۶۳-۴۶۹.

موضوع این مقاله، دربارهٔ مناظره‌ای با عنوان «گُل و مُل» منسوب به سراج‌الدین قمری آملی است. این مناظره به نثر است و در خلال آن، طرفین دعوا (یعنی گل و مل) با استفاده از آیات و احادیث و امثال و اشعار سعی در بیان برتری خود بر حریف دارند. در ابتدای این مناظره آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه الحول والقوه. كتاب مناظره گل و مل از تألیف ملک الشعرا سراج‌الدین قمری رحمه الله. وقتی در میان بوستان، به گاه اجتماع دوستان گل را با مل مناظره‌ای افتاد...^{۱۳}

آنچه از پایان مناظره منسوب به سراج‌الدین قمری (د: ۶۲۵ق) برمی‌آید، این است که او را فرزندی بوده، اسماعیل نام:

فرزند اسمعیل باید که چون این سخنان مطالعه کند و آیت و یضرب الله الامثال للناس را بخواند و بداند که هیچ رمزی در این مکتوب...^{۱۴}

با مراجعه به دیوان سراج‌الدین قمری معلوم شد که سراج‌الدین را پسری به نام حسن بود و نه اسماعیل:

خاصه که ز دهر پیر خود رای وز گردش چرخ حادثه زای دارم پسری به کام و ناکام چون ذکر جمیل تو «حسن» نام^{۱۵} و ظاهراً بسیار هم به این فرزند دلبسته بود زیرا:

یک ساعت اگر رخس نبینم پیشانی فرخش نبینم بیم است که جان من برآید عیش من و لهو من سرآید^{۱۶}

این نکته که سراج‌الدین مناظره‌ای را برای فرزند خود – که «اسماعیل» نام داشته – پرداخته باشد، در حالی که در سراسر دیوان او هیچ نامی از آن فرزند نباشد، به نظر چندان طبیعی نیست. نگارنده در پی یافتن نشانه‌های دیگر از این مناظره به مناظره‌ای با نام گل و مل در کتاب زنگی‌نامه، تألیف محمد بن محمود بن محمد زنگی بخاری برخورد.^{۱۷} در این مجموعه به جز مناظره مذکور آثار دیگری هم درج است که عبارت‌اند از:

۱. حکایت بیدلان، یا داستان پادشاهزاده شهر حماة.
۲. مناظره مویزاب و فقاع عجمیان.
۳. ذیل مقامات حمیدی، یا مناظره مسافر عالم صورت با مسافر عالم معنی.
۴. مناظره چشم و دل، یا مذاکره دل غمخوار و چشم عیار.
۵. نزهة العاشقین، یا رساله فی العشق.

مناظره گل و مل محمد زنگی با تحمیدیه‌ای آغاز می‌شود و پس از آن آمده است:

... اما بعد فرزند اسمعیل – اسعده الله فی الدارین – که گل بوستان مهتری است و سرو میدان سروری، سلام استاد خویش محمد زنگی بخواند،

سلام كالطاف الاله الممجد سلام كاخلاق النبی المؤید^{۱۸} بنابر نوشته استاد ایرج افشار در مقدمه بوستان العقول: محمد زنگی رساله را برای آن شخص (اسماعیل) که (گویا) فرزند یکی از اعیان و بزرگان عصر بوده و زمانی پیش محمد زنگی درس می‌خوانده است به یاد روزهای استاد و شاگردی و به مناسبت دور افتادن آن شاگرد، به نام او پرداخته است.^{۱۹}

محمد زنگی قبل از اینکه وارد موضوع اصلی، یعنی مناظره گل و مل، بشود در مقدمه‌ای در بیش از دو صفحه به علاقه‌مندی خود نسبت به اسماعیل و علت اینکه این مناظره را به نام وی پرداخته است اشاره می‌کند؛ و احتمالاً منظور وی از اینکه می‌گوید: «ملک زاده‌ای... سؤال کرد که از مناظره گل و مل سخنی بگویی»^{۲۰} باید همین شاگرد مذکور باشد. شروع قسمت اصلی مناظره گل و مل زنگی چنین است:

وقتی در میان بوستان به گاه اجتماع دوستان، گل را با مل مناظره شد و در فضیلت گوهر ذات و حُسن صفات مجادله افتاد و سخن از حد اعتدال به قیل و قال رسید و از حسن مقال به قیح جدال انجامید...^{۲۱}

این جانب در مقایسهٔ مناظره گل و مل محمد زنگی با مناظره گل و مل که در سفینه تبریز به نام سراج‌الدین قمری آمده، متوجه این مطلب شدم که ظاهراً هر دو مناظره یکی است و تقریباً تمام جملات و عبارات هر دو شبیه به هم می‌باشد. به عبارتی، آنچه در متن کتاب زنگی‌نامه با عنوان «مناظره گل و مل» آمده است، با توجه به شباهت‌های تمام و کمال آن با مناظره گل و مل مندرج در سفینه تبریز که به نام سراج‌الدین قمری آمده، دقیقاً یکی است.

نکاتی که از خلال مقایسهٔ این دو مناظره دانسته می‌شود بدین قرار است:

۱۳ سفینه تبریز، ص ۷۱۹-۷۲۲.
 ۱۴ همان، ص ۷۲۱.
 ۱۵ سراج‌الدین قمری، دیوان سراج‌الدین قمری آملی، تصحیح یدالله شکری (تهران: معین، ۱۳۶۸)، ص ۳۷. ۱۶ همانجا.
 ۱۷ زنگی‌نامه، محمد بن محمود زنگی بخاری، به کوشش ایرج افشار (تهران: توس، ۱۳۷۲)، ص ۴۹-۶۸.
 ۱۸ همان، ص ۵۱.
 ۱۹ ایرج افشار، مقدمه زنگی‌نامه، ص یازده و دوازده.
 ۲۰ همان، ص ۵۳.
 ۲۱ همانجا.

۱. سراج الدین قمری در ۶۲۵ق وفات یافته و نظامی گنجوی شرفنامه را پس از هفت پیکر سروده است. تاریخ اتمام هفت پیکر ۵۹۳ق است و «پس از آن معلوم نیست به فاصله چند سال این نامه (شرفنامه) آغاز شده.»^{۲۹} نقل ابیاتی از نظامی که با سراج الدین قمری فاصله زمانی چندانی نداشته است در مناظره گل و مل منسوب به قمری چندان معمول به نظر نمی‌رسد. خاصه که در دیوان قمری هیچ ذکری از نظامی نیست.

۲. همین اشکال درباره بیتی که از سعدی در مناظره گل و مل نقل شده نیز وجود دارد؛ زیرا ولادت و دوران شاعری سعدی^{۳۰} به هیچ وجه با زمانه زندگی سراج الدین قمری که تخمیناً بین سال‌های ۵۵۰ تا ۵۶۰ق به دنیا آمده و ۶۲۵ق فوت شده سازگاری ندارد. توضیح آنکه سراج الدین قمری که در ۶۲۵ق وفات یافته نمی‌تواند به شعری از سعدی که در ۶۲۵ق قطعاً به شاعری شهرت نداشته استشهاد کند. حال آنکه روزگار زندگی سعدی و نیز نظامی با روزگار محمد زنگی تناسب تاریخی دارد.

۳. از دیوان سراج الدین قمری بی به این نکته مهم می‌توان برد که تاکنون از او هیچ نوشته‌ی منشوری شناخته نشده و در مقدمه دیوان هم به آن اشاره‌ای نشده است. همچنان که به مناظره‌گویی و مناظره‌نویسی نیز شهرت نداشته است. غیر از دلایل مذکور، توجه به جنبه‌های سبک‌شناسانه متن مناظره گل و مل و مقایسه آن با آثار دیگر محمد زنگی انتساب مناظره را به او تقویت می‌کند:

۱. در چند مناظره و رساله‌ای که از محمد زنگی بخاری برجای مانده تحمیدیه‌ها و خطبه‌های تقریباً یکسان و همانندی وجود دارد:

الف: در آغاز مناظره گل و مل نوشته است:

«حمد و ثنا پادشاهی را که شکفتگی گل دل عارفان از نسیم الطاف بینهایت اوست.»

(زنگی نامه، ص ۵۱)

ب: و در آغاز حکایت بیدلان چنین نوشته:

«حمد و ثنا پادشاهی را که در دبستان موجودات،

عندلیب عشق را به نوای لطف گویا کرد...»

(زنگی نامه، ص ۳)

۱. در متن این دو مناظره گل و مل، ابیاتی هم از زبان گل و هم از زبان مل نقل شده، که از شاعران مختلفی است و از همین اشعار می‌توان به موضوعات دقیق‌تری پی برد. شعری که در مناظره گل و مل سفینه تبریز^{۳۲} نقل شده در مناظره گل و مل زنگی نامه^{۳۳} هم به همان شکل آمده است: سر که نه در پای عزیزان بود^{۳۴}

بار گران است کشیدن به دوش

این بیتی است از غزلیات سعدی^{۲۵} و با توجه به اینکه: «مؤلف (محمد زنگی بخاری) را با اشعار سعدی انس و الفت مخصوص و پیوند و علاقه‌ای استوار است [و] در رساله‌های دیگر هم ابیاتی از سعدی آورده»^{۲۶}، در اینجا نیز این بیت سعدی نشانه‌ای است بر اینکه مؤلف این مناظره را به احتمال قریب به یقین محمد زنگی بدانیم. (درباره عدم تناسب زمانه زندگی سعدی با سراج الدین قمری، پس از این سخن خواهیم گفت.)

اشعار منتخب دیگری هم در مناظره گل و مل مندرج در سفینه تبریز و زنگی نامه نقل شده که بلندترین آن ابیاتی از ساقی نامه نظامی در شرفنامه است، که به ترتیب زیر نقل می‌شود:

— بیاساقی آن جام زرین بیار

که هست از فریدون و جم یادگار

می‌ناب ده عاشق ناب را

به مستی توان کردن این خواب را^{۲۷}

— بیاساقی آن می که ناز آورد

جووانی دهد عمر باز آورد

به من ده که این هر دو گم کرده‌ام

قناعت به خوناب خم کرده‌ام^{۲۸}

و پس از این ابیات، ۱۹ بیت دیگر از ساقی نامه‌های نظامی نقل شده است، و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دقیقاً در هر دو متن (سفینه تبریز و زنگی نامه)، ابیات و جمله‌ها و عبارات شبیه به هم است.

اجمالاً نتیجه‌ای که از اشعار سعدی و نظامی می‌توان گرفت این است:

۲۲ سفینه تبریز، ص ۷۲۰، سطر ۲۰.
 ۲۳ زنگی نامه، ص ۶۱.
 ۲۴ در مناظره گل و مل زنگی «رود» آمده است.
 ۲۵ غزلیات سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی (تهران: سخن، ۱۳۸۵)، ص ۹۴.
 ۲۶ ایرج افشار (مصحح)، مقدمه بستان العقول فی ترجمان المنقول، تألیف محمد بن محمود زنگی بخاری (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۱۳.
 ۲۷ شرفنامه، نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان (تهران: قطره، ۱۳۷۶)، ص ۳۴۱. ۲۸ همان، ص ۳۱۴.
 ۲۹ حمیدیان، مقدمه شرفنامه، ص ۳.
 ۳۰ بر اساس منابع گوناگون ولادت سعدی را در فاصله میان سال‌های ۶۰۰ تا ۶۱۰ق حدس زده‌اند. تواریخ دیگری هم برای ولادت سعدی ذکر شده که صحیح نیست.

ج: مناظره مویزاب و فقاع عجمیان را به این شکل آغاز کرد:

«حمد و ثنا مر خدایی را که در هر نیمه ماه کاس قمر را از طاس زرین آفتاب پرمی سازد...».

(زنگی نامه، ص ۷۱)

د: و این عبارت از آغاز مناظره چشم و دل است:
«حمد و ثنا مر خدایی را جلّ و جلاله که چشمه‌های حکمت از دل اصحاب معرفت در جویبار بیان روان کرد...».

(زنگی نامه، ص ۹۷)

ه: همچنین خطبه رساله نزهة العاشقین یا رساله فی العشق را این گونه پرداخته است:

«حمد بی حد و ثنای بی عد حضرت عزت قادری را...».

(زنگی نامه، ص ۱۲۳)

از دیدگاه سبک شناسی، همانندی‌های عبارات مذکور را می‌توان جزو ویژگی‌های زبانی نثر محمد زنگی دانست که تقریباً شیوه نثر او در مناظره‌ها و رسالاتش به نوع نثر مناظره گل و مل شباهت دارد.

۲. محمد زنگی در نثر خویش از آیات و احادیث به عنوان استشهاد استفاده کرده است که شیوه این استشهادات از نظر ساختار و ترکیب جمله‌ها در حکایات بیدلان یا داستان شاهزاده شهر حماة و مناظره چشم و دل و نزهة العاشقین و کتاب بستان العقول شباهت بسیار به نوع کاربرد استشهادات مناظره گل و مل دارد. شواهد زیر این نظر را تأیید می‌کند:
الف: «... عندلیب زبانش در بوستان فصاحت نوای «انا افصح العرب والعجم» می‌سرایید و طوطی بیانش شکر لا احصی ثناء علیک می‌خایید».

(زنگی نامه، ص ۳)

ب: «... و زبان گهرافشان سید انبیا بدین معنی ناطق است که السخی لا یدخل النار و ان کان فاسقاً و البخیل لا یدخل الجنة وان کان عابداً».

(زنگی نامه، ص ۱۰)

ج: «... و سپاس و ستایش خداوندی را که شیفتگی مستان شراب یحبه‌م و یحبونه از کرم بی غایت او».

(زنگی نامه، ص ۵۱)

د: «حکیمی که نرگس مست رعنایان منصب کل جمیل من جمال الله را دلربایی آموخت».

(زنگی نامه، ص ۵۱)

ه: «و دیگر آنچه از رحمت می‌گفتی بدان که رحمت نصیب مؤمنان است که و کان بالمؤمنین رحیماً».

(زنگی نامه، ص ۷۴)

و: «و من به ایمان و مؤمنان نسبت دارم که «المؤمن

حلو یحب الحلاوة»...».

ز: «... چشمه‌های حکمت از دل اصحاب معرفت در جویبار بیان روان کرد که «ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه» و نظر ارباب بصیرت را به کحل اعتبار مکحل گردانید که فاعتبروا یا اولی الابصار...».

(زنگی نامه، ص ۹۷)

ح: «میدان دل از آن طرف عرش و کرسی و فلک و ملک است و ان کان الی ربک المنتهی بل که عرش و فرش در جنب دل مختصر است، زیرا که دل قابل تجلی الوهیت و ربوبیت است که «لا یسعی ارضی ولا سمایی و لکن یسعی قلب عبدی المؤمن»...».

(زنگی نامه، ص ۱۱۴)

ط: «... و طور دوم را قلب گویند که ستاره ایمان بر وی است که اولئک کتب فی قلوبهم الایمان...».

(زنگی نامه، ص ۱۱۶)

ی: «... سقف مرفوع آسمان را به نور کواکب بیاراست که انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب...».

(زنگی نامه، ص ۱۲۳)

در باره شواهدی که نمونه‌وار از نثر محمد زنگی آورده شد، می‌توان این توضیح را افزود که استشهاد در نثر فنی فارسی با اهداف و اغراض گوناگون کاربرد داشته است که یکی از اغراض مهم استشهاد، تأیید و تأکید مطلب پیش از آن بوده است.^{۳۱} و این شیوه چنانکه دیدیم در مناظره گل و مل با آنچه از دیگر نوشته‌های زنگی بخاری نقل شد شباهت تمام دارد.

همچنین بعض آیات و عبارات عربی که به عنوان استشهاد در مناظره گل و مل و مناظره‌های دیگر محمد زنگی به کار رفته با یکدیگر شباهت دارند. مانند:

الف: «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین»:

(مناظره گل و مل، ص ۶۶؛ مناظره چشم و دل، ص ۱۱۱)

ب: «نجا المخفون و هلک المثلون»:

(مناظره گل و مل، ص ۵۷؛ نزهة العاشقین، ص ۱۶۵)

۳. در نثر محمد زنگی بخاری، عبارات و اصطلاحاتی دیده می‌شود که آنها را می‌توان از ویژگی‌های زبانی خاص وی دانست:

^{۳۱} برای اطلاع بیشتر درباره این نوع از ویژگی نثر فنی فارسی، نک: حسین خطیبی، فن نثر در ادب فارسی (تهران: زوار، ۱۳۶۸)، ص ۱۹۷-۲۰۸.

دردی که ز دل خیزد درمان نتوان کردن

ور نیز در او میری افغان نتوان کردن

(زنگی نامه، ص ۱۲)

ب:

در رخ و رنگ و بنگ تو پیداست

که از آن بازی و از آن دستی

(مناظره گل و مل، ص ۶۰)

و این بیت هم ظاهراً از شعری است که بیت دیگر آن در

حکایت بیدلان مذکور است:

ورنه دستار کز چرا بستنی

زاوَل بامداد، سرمستی

(زنگی نامه، ص ۵)

ج:

مثال راکب در یاست حال کشته عشق

که ترک یار بگفتند و خویشان رستند

(مناظره گل و مل، ص ۵۷)

بیتی است از غزل مشهور سعدی که محمد زنگی این بیت

و بیت دیگری از همان غزل را در حکایت بیدلان نیز آورده:

به راه عقل برفتند سعدیا بسیار

که ره به منزل دیوانگان ندانستند

(زنگی نامه، ص ۵)

د:

این کارها به حکمت یزدان مقرر است

مردم به سر حکمت یزدان نمی رسند

(مناظره گل و مل، ص ۶۵)

محمد زنگی این بیت را در رساله نزهة العاشقین نیز

بدین شکل به کار برده است:

این رمزها به حکمت یزدان مقرر است

مردم به سر حکمت یزدان نمی رسند

(زنگی نامه، ص ۱۵۲)

شبهت ابیات ذکر شده در مناظره گل و مل با اشعاری

که در مناظره‌ها و رساله‌های دیگر محمد زنگی به کار رفته

نشان‌دهنده آن است که مؤلف مناظره گل و مل به احتمال

بسیار با مؤلف نزهة العاشقین و حکایت بیدلان، یعنی

محمد زنگی، یکی است. پس با توجه به دلایل ذکر شده

انتساب مناظره گل و مل به محمد زنگی درست‌تر به نظر

می‌رسد و سابقه محمد زنگی در مناظره‌سرایی این حدس

را تقویت می‌کند. در همین زنگی نامه به جز مناظره گل و مل دو

الف: «کبودپوش» مجازاً به معنی صوفی به کار رفته است:

— «بنفشه کبودپوش مرید خاص من است و شمع لاله

مجمره‌دار به اخلاص من.»

(زنگی نامه، ص ۵۴)

— «در این میان جوانی کبودپوش با دستار فیلگوش

چون هلال زرد و نزار و چون بلال روشندل و با مقدار، آثار

ریاضت از جبین مبین او تابان و...».

(مناظره مسافر عالم صورت و مسافر عالم معنی،

زنگی نامه، ص ۹۱)

همچنین در رساله نزهة العاشقین یا رساله فی العشق،

در یک رباعی که ظاهراً از خود زنگی است نیز همین

معنی به کار رفته:

گرمن به صلاح خویش کوشان بدمی سلطان همه کبودپوشان بدمی

اکنون که اسیر یار میخواره شدم ای کاج غلام میفروشان بدمی

(زنگی نامه، ص ۱۴۰)

ب: در مناظره مویزاب و فقاع عجمیان درباره انگور آمده:

«چنانکه مردم شهر از زیبایی دکان و با ذوقی این دو

فرزند انگور انگشت حیرت به دندان فکرت گرفتند

و گفتند ما گمان می‌بردیم که انگور را به جز دوشاب ۳۲

و سرکا، فرزند دیگری نیست و خود کار برخلاف پندار ما

بودست...».

(زنگی نامه، ص ۷۲)

و همین تعبیر با اندک اختلافی در مناظره گل و مل نیز

به کار رفته است:

(از زبان مل): «...یک برادرم دوشاب است که رونق

دوکان حلواگرسست. یک برادرم سرکا است که هم کاسه

شکر است.».

(زنگی نامه، ص ۵۶)

۴. از بررسی اشعاری که در مناظره گل و مل آمده

و مقایسه آنها با اشعاری که در دیگر مناظره‌ها و رساله‌های

مسلم الثبوت محمد زنگی وارد شده این نتایج حاصل می‌شود:

الف:

اندیشه عاشق را با غمزه دلداران

سری است که کشف آن با جان نتوان کردن

(مناظره گل و مل، ص ۵۸)

که ظاهراً بیتی است از شعری که محمد زنگی مطلع آن‌را

در نزهة العاشقین ذکر کرده است:

۳۲ در متن زنگی نامه این واژه «جوشان» و «جوشاب» آمده، که ظاهراً باید «دوشاب» باشد. برای شواهد آن نک: لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه دوشاب. (از افادات شفاهی اسناد ارجمند جناب جمشید مظاهری).

مناظره مویزاب و فقاع عجمیان و نیز مناظره چشم و دل به نام محمد زنگی ثبت است.

نکته مهم دیگری که علاقه محمد زنگی را به مناظره نویسی می‌رساند آنکه وی کتاب بستان العقول فی ترجمان المنقول را که ترجمه‌ای است از رساله حیوان از رسایل اخوان الصفا نیز به شکل مناظره‌ای میان انسان و حیوان پرداخته است. ۳۳

نتیجه بررسی‌ها و جستجوهای ذکر شده، هر چند صحت انتساب «مناظره گل و مل» مندرج در سفینه تبریز را به سراج الدین قمری بسیار ضعیف می‌کند و به همان نسبت انتساب آن را به محمد زنگی بخاری قوت می‌بخشد، لیکن باید منتظر بود تا نسخه دیگری از این مناظره یافت شود و به قطع یقین بتوان آن را به محمد زنگی بخاری نسبت داد.



■ انجامة نسخه «کلیله و دمنه»، به خط محمد بن محمود زنگی البخاری، ۶۹۷ق (کتابخانه حسین چلبی، ش ۷۶۳؛ عکس از کتابخانه شادروان مجتبی مینوی، ش ۷۴).

Concerning the Attribution of the "The Disputation between Roses and Wine" to Serāj al-Dīn Qomrī-ye Āmolī in *Safīneh-ye Tabriz*

Mehrdad CHATRAEI AZIZABADI

(Isfahan)

One of the eleven disputations that are preserved in the *Safīneh-ye Tabriz*, is a prose work entitled "The Disputation Between the Roses and Wine," which is attributed to Serāj al-Dīn Qomrī-ye Āmolī (c. 13th century AD) in this collection. However, this work is also preserved in a different collection, entitled the *Zangī-Nāma*, and authored by Moḥammad b. Maḥmūd b. Moḥammad-e Zangī-ye Bokhārī. This paper argues that based on stylistic and historical evidence the disputation must belong to Zangī-ye Bokhārī, and its attribution to Qomrī-ye Āmolī is incorrect.